

## هادم

شخصیکه، ملکیت غیر را خلاف شرع و قانون چپه و منهدم نموده، مورد مجازات قرار میگیرد. پښتو: [هادم]

## هاذل

شخصی که عادتاً به بیهوده گویی و هذل گویی شهرت داشته باشد. پښتو: [هاذل]

## هبه

تملیک مال به غیر. پښتو: [هبه]

## هبه بلا عوض

بخششی که ضمن آن کدام عوضی مطالبه نشده باشد. پښتو: [له عوض څخه بغیر هبه]

## هبه در حکم وصیت

هبه شخص در حال مرض موت. پښتو: [د وصیت په حکم کې هبه]

## هتک حرمت

عملی که در اثر آن شخصیت مادی یا معنوی فرد توهین شده باشد. (رجوع شود به توهین). پښتو: [د حرمت هتک]

## هتک حرمت منزل

ورود غیر مجاز به منزل غیر به عنف و تهدید. پښتو: [د استوګنځي د حرمت هتک]

## هتک ناموس

اخلال بزرگ به حیای مجنی علیه در حصه ناموس، و از جمله نزدیک شدن بیکی از اعضای مستور (پوشیده) مجنی علیها. پښتو: [د ناموس هتک]

## هجر

استعمال کلمات رکیک بطور رویا روی به شخص. پښتو: [هجر]

## هدف تجریم و مجازات

صیانت و حمایت نظام جامعه، افراد و اموال، عفت و شرف آنها از تجاوز. پښتو: [د جرمر او جزاء هدف]

## هدیه

در اصطلاح حقوق مدنی، تملیک مال منقول بطور مجانی یا انتقال از موضعی به موضع دیگر به قصد اکرام و تعظیم. پښتو: [هدیه]

## همجوار

همسایه اعم از همسایه جانبی، فوقانی و یا تحتانی. پښتو: [همجوار (کاونډی)]

## همجوار متصل

همسایه ایکه مملوکه عقار وی، با شخص از یک و یا چند جناح پیوست باشد. پښتو: [متصل کاونډی]

## هولو گرام

گراف ها و نوارهای براق که به منظور جلوگیری از جعل پول در بانکوت ها و سایر اسناد بهادار طرح و به چاپ میرسد. پښتو: [هولوگرام]

## هویت

مجموعه اوصاف ذاتی و مدنی شخص که معیار تفکیک اشخاص را تشکیل میدهد. پښتو: [هویت]

## هیئت تحریر محکمه

گروپی از محررین اسناد محکمه که قانوناً این شغل را پیش میبرند. پښتو: [د محکمی د تحریر هیئت]

## هیئت عامل

اشخاص حقیقی که مسوول اداره و اجرای فعالیت های موسسه یا شرکت بوده و توسط مجمع عمومی سهامداران برای یک مدت معین مطابق احکام قانون یا اساس نامه مربوط تعیین میگردند. پښتو: [د عامل هیئت]

هیأت مدیره ..... قاموس اصطلاحات حقوقی ..... ه

### هیأت مدیره

افراد عهده دار رهبری جمعیت، انجمن و یا شرکت.  
پښتو: [مدیره هیأت]

### هیأت نظار

افرادی که جهت بررسی امور شرکت و اجراءات هیأت  
مدیره تعیین میگردند.  
پښتو: [نظار هیأت]